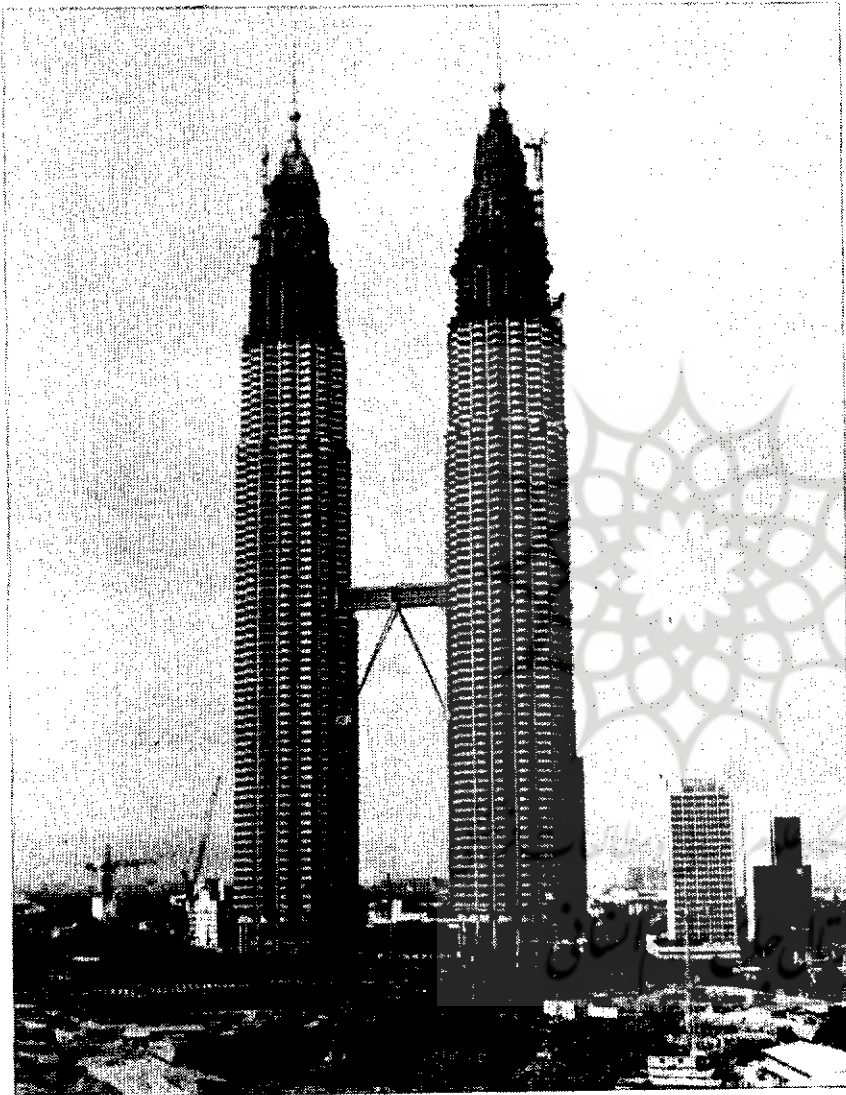


مدیریت توسعه در مالزی

دکتر مرتضی ایمانی راد



کشور مالزی در جنوب شرقی آسیا واقع شده است و از دو قسمت کاملاً مسجراً تشکیل می‌گردد. بخش غربی آن به شبه‌جزیره مالزی معروف است. ادامه این بخش به طرف جنوب است و به آن مالزی قاره‌ای می‌گویند. بخش شرقی شامل ایالات ساراواک و صباح است که در قسمت شمالی جزیره برونو واقع شده است و مالزی جزیره‌ای نامیده می‌شود. دریای چین جنوبی به فاصله ۶۴۰ کیلومتر میان این دو قسمت فاصله انداخته است. مساحت دو بخش مالزی رو به هم ۳۳۰ هزار کیلومتر مربع است. مالزی از لحاظ جغرافیایی کشوری کوهستانی و دارای صخره‌های گرانیت و آتشفشان است و پوشش گیاهی شبه جزیره جنگلهای انبوه و همیشه سبز استوایی آنرا پوشانده است.

کشور مالزی نیز همانند بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا دارای نژادهای مختلفی است. در قرن دوم پیش از میلاد، به علت نفوذ هندوها به مالزی، فرهنگ هندی با عناصر بومی منطقه عجین شده است و ترکیب فرهنگی جدیدی را بوجود آورده است. در قرن پانزده میلادی با ورود اسلام به این کشور تحول جدیدی ایجاد می‌شود. در شرایط فعلی اکثریت جمعیت فعلی مالزی مسلمان هستند و مابقی جمعیت را عمدتاً هندی و چینی تشکیل می‌دهد. یکی از مشکلات اساسی و تاریخی مالزی وجود نژادهای مختلف در این کشور است. در آغاز تشکیل این کشور براساس یک سیاست تدوین نشده قرار بود که مالائی‌ها دارای قدرت سیاسی باشند و چینی‌ها قدرت اقتصادی را در دست داشته باشند. این طرح مورد قبول واقع نشد و بعدها موجب کشمکش‌های قومی در مالزی شد. در سال ۱۹۶۹ این درگیریها به اوج رسید و به شورش‌های گسترده‌ای منجر شد و دولت وقت به حالت تعلیق درآمد. پس از این دوران و با شکل‌گیری سیاست جدید اقتصادی در مالزی انحصار فعالیت‌های اقتصادی در اختیار یک نژاد خاص از بین رفته و تا حدودی میان نژادهای مختلف تعادل ایجاد گردید.

مالزی یکی از غنی‌ترین کشورها از نظر منابع

مدهای متفاوتی ارائه شده است. اگر از دیدگاه مدیریت توسعه به این فرایند نگاه کنیم، چارچوب کارکردی رشد (THE FUNCTIONAL GROWTH FRAMEWORK) می‌تواند تصویر روشنی از تحولات اقتصادی مالزی ارائه نماید. این چارچوب در شکل ۱ نشان داده شده است.

طبیعی در آسیای جنوب شرقی و یکی از بزرگترین صادرکنندگان قلع، کائوچو بومی طبیعی و چوب‌های سخت استوایی و از اولین تولیدکنندگان روغن نخل در جهان در عین حال منابع عظیم نفت و گاز طبیعی است.

درخصوص بررسی علل و ابزار رشد سریع اقتصادی در مالزی و سایر کشورهای شرق آسیا

این شکل چهار ستون مشاهده می‌کنید. در ستون اول سیاستهای انتخاب شده توسط مالزی به همراه نهادهای ایجاد شده را می‌بینید. ثبات اقتصاد کلان و سرمایه بالای انسانی و سیاستهای دیگر از سیاستهای بنیادی این کشور بوده است. لذا از سیاستهای اساسی، دخالتهای موردی رای سرعت حرکت بازار نیز دیده می‌شود. منظور که مشاهده می‌شود سیاستهای توسعه ز کشور مالزی در یک چارچوب سیاستگذاری شخص تدوین شده است. طبیعی است که این سول و سیاستها در یک بستر سالم می‌توانند به تصاد حرکت دهند. در مالزی از دو بستر بازار و جاد انگیزشهای غیربازاری استفاده شده است. عبارت دیگر بخش قابل توجهی از تخصیص نابع به سازوکار بازار سپرده شده است، ولی ای هدایت صادرات و سرعت بیشتر اقتصاد محیط انگیزشی ایجاد شده است تا بنگاههای تصاد برای کسب امتیازات اعلام شده توسط رلت با هم به رقابت بپردازند تا از این طریق شد سریعتری حاصل شود. این بسترها همراه با یاست‌های اساسی موجب نرخ بالای انباشت، نه سرمایه فیزیکی و چه انسانی، تخصیص بهتر موثرتر منابع و بهبود بهره‌وری در اقتصاد ردید. اثر این عوامل در نهایت رشد سریع تصاد و توزیع عادلانه درآمدها را داشته است ه در ادبیات توسعه آنرا «معجزه» نامیده‌اند. در امه به هریک از موارد فوق پرداخته می‌شود.

*** ایمانی‌راد:** در مالزی از دو بستر بازار و ایجاد انگیزشهای غیربازاری استفاده شده است. به عبارت دیگر بخش قابل توجهی از تخصیص منابع به سازوکار بازار سپرده شده است. ولی برای هدایت صادرات و سرعت بیشتر اقتصاد محیط انگیزشی ایجاد شده است تا بنگاههای اقتصادی برای کسب امتیازات اعلام شده توسط دولت، به رقابت بپردازند.

حفظ نرخ تورم در سطح پائین و مدیریت صحیح بدهیهای داخلی و خارجی بوده است. بین کشورهای تازه صنعتی شده مالزی در طول دوران توسعه اقتصادی خود همواره تورمی سالم داشته است. در کشور مالزی برای مدتی طولانی نرخ تورم زیر ۴ درصد بوده است، درحالی که اندونزی و کره نرخ تورم گاهی فراتر از ۸ درصد نیز رفته است. علیرغم اینکه کسر بودجه دولت مالزی در سال ۱۹۸۲ به ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد ولی کاملاً در کنترل دولت قرار داشته و لذا آثار تورمی محدودی داشته است. نسبت کسر بودجه دولت مالزی به تولید خالص داخلی در یک دوره ۸ ساله (۸۸-۱۹۸۰) به طور متوسط به ۱۰/۸ درصد می‌رسد که بین ۴۰ کشور انتخاب شده رتبه ۶ را دارد (رتبه ۱ متعلق به کشوری است که دارای بیشترین کسر بودجه است) که نسبت بسیار بالایی است. این نسبت

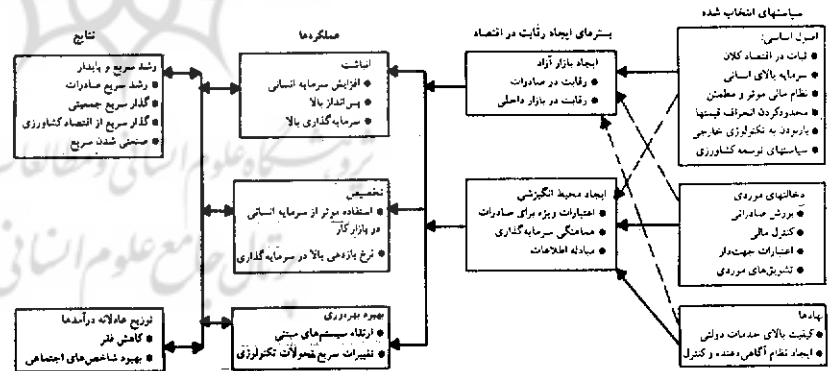
با کتترل‌های پولی همراه بوده است نرخ تورم در سطح بسیار پائینی حفظ شده است. جدول ۱ نرخ تورم مالزی را با چند کشور دیگر مقایسه می‌کند.

اینکه چگونه مالزی توانسته است با کسر بودجه^(۱) قابل توجه نرخ تورم را در سطح پائینی نگهدارد با علل زیر قابل توضیح است. از آنجا که نرخ رشد اقتصادی مالزی در این دوره بالا بوده است، همین نرخ رشد می‌تواند کسری بودجه دوره‌های قبل را تامین منابع مالی کند. یکی از سازوکارهای بکار گرفته شده در بازار سرمایه است. وقتی نرخ رشد اقتصادی افزایش یابد تقاضا برای داراییهای مالی (FINANCIAL ASSETS) افزایش می‌یابد. دولت مالزی با موفقیت بخش قابل توجهی از وجوه پولی این داراییها را جذب کرد. دوم با رشد اقتصادی سریع پس‌اندازها در اقتصاد مالزی رویه فزونی گذاشتند. افزایش پس‌انداز عمدتاً به دلیل سیاست صحیح نرخ بهره در مالزی بود. نرخ بهره برای مدت طولانی مثبت نگهداشته شده بود و لذا پس‌اندازها به جای اینکه در املاک سرمایه‌گذاری شود در بانکها گذاشته می‌شد. این پس‌اندازها و کنترل آنها نیز موجب می‌شد که دولت بتواند بخشی از آثار تورمی کسر بودجه را جبران نماید. به این منظور دولت مالزی صندوق خاصی تدارک دیده بود.

سازوکار دیگری که این کشورها برای ثبات اقتصاد کلان و رشد سریع صادرات به کار گرفتند تنظیم نرخ ارز بود. برخلاف بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و ایران که نرخ ارز را در یک نرخ اسمی تثبیت کرده‌اند، مالزی و بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی همراه با تثبیت

*** مالزی در طول دوران توسعه اقتصادی خود همواره تورم سالمی داشته است. در کشور مالزی برای مدت طولانی نرخ تورم زیر ۴ درصد بوده است. در حالی که در اندونزی و کره نرخ تورم گاهی فراتر از ۸ درصد نیز رفته است.**

*** پس‌انداز در اقتصاد مالزی نقش مهمی داشته است و برای مدت طولانی مردم به جای آن که در املاک سرمایه‌گذاری کنند. پس‌اندازهای خود را در بانکها گذاشتند. این پس‌اندازها و کنترل آنها موجب می‌شد که دولت بتواند بخشی از آثار تورمی کسر بودجه را جبران کند.**



برای کره جنوبی ۱/۸۹ درصد و برای تایلند ۵/۸ درصد بوده است. با این نسبتها کره در مرتبه سی و چهارم و تایلند در مرتبه بیست و سوم قرار می‌گیرند.^(۱) افزایش کسر بودجه دولت مالزی اساساً برای تامین منابع مالی پروژه‌های عمرانی، بخصوص پروژه‌های زیربنایی بوده است. ولی از آنجا که عدم تعادلی بودجه دولت (کسر بودجه)

بات اقتصاد کلان و رشد صادرات
ثبات در محیط اقتصاد کلان و رشد سریع صادرات دو عامل بسیار مهم در انباشت سرمایه، تخصیص کارا و مطلوب سرمایه‌های انباشت شده و بهبود بهره‌وری بوده است. مدیریت اقتصاد کلان اساساً از طریق کنترل کسر رتبه‌های دولتی، کتترل‌های مالی و پولی جهت

اقتصادی مالزی در سالهای ۸۰-۱۹۶۰ را بسیار از صاحب نظران اقتصادی معلول زمینه سازی سیاست جایگزین واردات می دانند. در سالهای ۸۵-۱۹۷۱ سیاست جایگزین واردات با سیاست گسترش صادرات همراه شد. سیاست نوین اقتصادی^(۱) (NEP) در سال ۱۹۷۱ اعلام شد هدف را بر رشد همراه با توزیع متعادل قرار داد. کالاهای اولیه همراه با محصولات صنعتی و تکنولوژی پائین آغاز شد. مزایایی که برای توسعه صادرات در این دوره گذاشته شد عمدتاً شامل این سیاستها بود: معافیت مالیات برای صادرات معافیت مالیات برای تولیدکنندگانی که محصولات آنها به عنوان مواد اولیه یا قطعات واسط صادرکنندگان قرار می گرفت، قیو استهلاك سریع دارائیهها برای موسساتی که بیش از ۲۰ درصد تولیداتشان را صادر می کنند تسهیلات اعتباری و تنزیل مجدد منابع مالر حاصل از صادرات با نرخ بهره بسیار پائیز گذشته از این سیاستها، مناطق پردازش صادرات ایجاد شد و برای موسسات صادرکننده مزایا؛ وارداتی زیادی در نظر گرفته شد. همزمان با این سیاستها سیاست جذب سرمایه خارجی برآ؛ توسعه صادرات نیز به کار گرفته شد. آمارها نشان می دهد که ۷۰ درصد از محصولات صنعتی صادراتی مالزی در مناطق پردازش صادرات عمدتاً توسط سرمایه های خارجی انجام شد است. با توسعه سریعتر اقتصاد و انقفا تکنولوژی به داخل سهم صادرات مناطق آزاد سال ۱۹۸۹ به ۴۰ درصد کاهش یافت.

پس از توفیق قابل توجه در افزایش نرخ رشد اقتصادی و صادرات، دولت مالزی در سالها؛ ۱۹۸۶ به بعد فرایند تعدیل و آزادسازی اقتصاد را شروع کرد. تا سال ۱۹۸۶ صنعتی شدن مالزی عمدتاً با دخالت های مستقیم و غیرمستقیم دولت مالزی همراه بود. در فرایند تعدیل دولت مالزی به رهبری مهاتیر فخم که دوران اولیه نخست وزیری خود را طی می کرد، درصد کاهش نقش دولت و افزایش فعالیت بخش خصوصی در توسعه کشور بود.

سیاست های اساسی این دوره تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی، در بخشهای خاص، تعدیل اقتصاد کلان جهت آزاد کردن بیشتر بازار و توسعه بیشتر صادرات کالاهای صنعتی بود. انگیزشهای مالیاتی برای صادرکنندگان بیشتر شد و واردات از آزادی بیشتری برخوردار گردید نرخ حمایت که در سالهای ۸۰-۱۹۷۹ حدود ۶۱

منظور حمایت های صنعتی، خودداری کرده است. اینکجه چگونه مالزی از فقدان محدودیتهای وارداتی دچار کسری شدید تراز پرداختها نشده است، مسئله ای است که باید در انعطاف پذیر بودن رژیم ارزی این کشور جستجو کرد. همراه با آزادی عمل واردات صادرات نیز توسط دولت تشویق می شد. صادرات ابتدا از کالاهای با تکنولوژی پائین شروع شده به تدریج به کالاهای صنعتی رسید. در سال ۱۹۵۷ صادرات قلع و کائوچو به تنهایی ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می داد.^(۴) در سالهای ۷۰-۱۳۵۰ دولت مالزی همراه با تشویق رقابت در بازارهای داخلی نوعی محدود از توسعه سیاست جایگزینی واردات برای

نرخ ارز آنرا همراه با تغییر نرخ تورم تغییر می دادند. طبیعی بود که با کتترل های ایجاد شده بر تقاضا و نرخ بهره مثبت، دللی بر تقاضای اضافی بر ارز بوجود نمی آمد. مالزی طی سالهای متمادی پول خود را به پوند انگلستان در دوره قرارداد برتون و وودز، تا سال ۱۹۷۲، وابسته کرد و در سال ۱۹۷۳ و ۷۴ آنرا شناور کرد. ولی شناوری نرخ ارز کاملاً در اختیار دولت بود.^(۳) گذشته از ثبات اقتصاد کلان، سیاستهای معطوف به صادرات در بستر ایجاد بازارهای رقابتی و انگیزشهای دولتی موجب رشد سریع اقتصادی این کشور شد. دوره های سیاستگذاری عمده مالزی برای طراحی کلی نظام تجارت خارجی در جدول زیر نشان داده شده است:

حمایت از صنایع داخلی اعمال نمود. نرخ موثر حمایت^(۵) زیاد بالا نبود و بخش خاصی از صنایع نیز حمایت نمی شد. بطور کلی کالاهای مصرفی مورد حمایت قرار گرفتند و نرخ حمایت موثر به سختی از ۷ درصد بالا می رفت. اگر این نرخ را با نرخهای حمایت ۲۵ تا ۹۲ درصد در کشورهای مشابه درآمدی مالزی مقایسه کنیم سقف پائین حمایت مشهود می شود. رشد

رشد سریع صادرات مالزی را شاید بتوان با کارهای درستی که کردند و کارهای غلطی که نکردند بتوان توضیح داد. آنچه که مالزی همیشه از آن احتراز داشته است اعمال محدودیتهای وارداتی به منظور کاهش کسری تراز پرداختها بوده است. هرچند که در هیچ دوره ای مالزی دارای کسری تراز پرداختهای جدی نبوده است، ولی از اعمال محدودیتهای وارداتی نیز مگر به

صد برآورد شده بود در سال ۱۹۸۷ به ۱۷ صد کاهش یافت.

نیات نهادی برای توزیع رشد اقتصادی دست آمده

یکی از فاکتورهای مهم در موفقیت مالزی محدود کردن نابرابری اقتصادی است که معمولاً همراه با رشد سریع اقتصادی شکاف آن بیشتر می‌شود. نابرابری اقتصادی در مالزی مفهومی اثر از مفهوم در کشورهای دیگر دارد. در این کشور نابرابری ممکن است به معنای حذف یک روه خاص اجتماعی معنی بدهد و لذا ممکن است شورشهایی در پی داشته باشد. شورشهایی می‌در سال ۱۹۶۹ نشاندهنده خواسته تمامی روهها از قدرت و ثروت جامعه بود و برنامه بنید اقتصاد مالزی (NEP) تلاش در توزیع

روت بین گروههای قومی در مالزی داشت. در بن زمان سه حزب مهم سیاسی، که هر یک قوم ماصی را حمایت می‌کرد، با هم در جهت توزیع عادلانه تر ثروت ائتلاف کردند. هدف اساسی برنامه جدید اقتصادی رفع فقر و کمک اقتصادی گروه قومی بومی پوترا (BUMIPUTERA)، رنگترین و در عین حال ضعیفترین گروه قومی در مالزی، بود. در این برنامه اتحاد ملی و تلاش ای ایجاد فرصتهای شغلی برای تمامی مردم الزی پیش‌بینی شده بود.

دومین سازوکار برای توزیع فرصتهای اجتماعی و محدود کردن نابرابریهای اقتصادی از لریق آموزش عمل شد. گسترش عمومی بوزش ابتدایی و توسعه آموزش متوسطه و بجاد مؤسسات آموزش عالی راه را برای صعود لبقات کم‌درآمد به لایه‌های بالایی جامعه فراهم کرد. هرچند که مالزی در این خصوص نسبت به کشورهای موفق دیگر آسیایی موفق نبوده است،

لی در همان اندازه اقدامات انجام شده موفق گردید به میزان مناسبی سرمایه انسانی خود را رورش دهد. عدم گسترش سرمایه انسانی نمای توسعه تکنولوژی در این کشور سرعت و می‌کردن تکنولوژی را کاهش می‌داد و اقتصاد مالزی را هرچه بیشتر به سمت بهره‌گیری از یروه‌های مالی و انسانی خارجی سوق می‌داد.

خشی از بحران مالی ایجاد شده در پایان سال ۱۹۹۰ میلادی را می‌توان با این پدیده توضیح داد. جدول زیر نشاندهنده هزینه‌های آموزشی بجام شده در مالزی و چند کشور دیگر است.

*** پس از توفیق قابل توجه در افزایش نرخ رشد اقتصادی و صادرات، دولت مالزی از سال ۱۹۸۶ به بعد فرآیند تعدیل و آزادسازی اقتصادی را شروع کرد. تا سال ۱۹۸۶ صنعتی شدن مالزی عمدتاً با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت مالزی همراه بود. در فرآیند تعدیل دولت ماساتیر محمد درصدد کاهش نقش دولت و افزایش فعالیت بخش خصوصی در توسعه کشور بود.**

سال ۱۹۸۹	سال ۱۹۹۰	
۵/۶	۲/۹	مالزی
۳/۴	۲/۸	سنگاپور
۳/۶	۲/۰	کره جنوبی
۳/۲	۲/۳	تایلند
۰/۹	۲/۵	اندونزی
۳/۷	۱/۹	برزیل
۲/۶	۱/۱	پاکستان
۳/۱	۱/۳	کشورهای کمتر توسعه یافته
۴/۱	۲/۴	کشورهای صحرای افریقا

SOURCE: UNDP, "HUMAN DEVELOPMENT REPORT," 1991

تاکید بر صنایع کوچک و متوسط و توسعه و گسترش این صنایع نیز از عوامل مهم دیگری در توزیع رشد در مالزی به شمار می‌رود. مخصوصاً اینکه این واحدها معمولاً در هدایت بازار و فارغ از دخالت‌های دولت ایجاد می‌شدند و لذا به صورت پایدار نقش مهمی در توزیع رشد عهده‌دار می‌شدند. بسیاری از مؤسسات کوچک و متوسط از مزایای اعتباری، مالیاتی و ارزی نیز برخوردار بودند.

ایجاد بدنه کارشناسی قوی در مالزی از عوامل بسیار مهم در سازگاز کردن فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی به شمار می‌رفت. در کنار این کارکرد، گسترش بدنه کارشناسی دولت موجب گسترش طبقه متوسط و توزیع عادلانه تر درآمدها می‌شد. بین کشورهای موفق جنوب شرقی آسیا مالزی از این نقطه نظر نمونه است. از عوامل مهم کارایی خدمات دولتی در مالزی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - تجدید نیروی مستمر در دستگاه دولتی و براساس اصل رقابت و همگامی با تحولات جدید در نظام جهانی.
- ۲ - پرداخت‌های مادی و پرستیژ سیاسی مشاغل دولتی تقریباً قابل رقابت با بخش خصوصی بوده است.
- ۳ - کسانی که در راس سازمان‌های دولتی قرار دارند و تصمیمات اساسی تر اتخاذ می‌کنند از مزایا و پرداخت بیشتری برخوردار هستند.

درصد تولید ناخالص ملی که به آموزش اختصاص داده شده است.

نرخ رشد بالای پس انداز سرمایه گذاری
معمولاً گفته می‌شود که برای رشد اقتصادی سرمایه‌گذاری و پس انداز از شروط اولیه است. در حالی که با تحرک قابل ملاحظه در اقتصاد ایجاد پس انداز و سرمایه‌گذاری به طور خودکار اتفاق می‌افتد. هرچند که در مالزی سازوکار مناسبی برای ایجاد پس انداز و سرمایه‌گذاری پس اندازهای ایجاد شده به کار گرفته شده است، ولی موتور شتاب دهنده سرمایه‌گذاری در مالزی نرخ بالای رشد اقتصادی این کشور بوده است که منابع مالی لازم را برای سرمایه‌گذاری و رشد بعدی را فراهم کرده است. گذشته از این سازوکار، دولت نیز با سیاست‌های خاص در تلاش برای افزایش پس اندازها و توسعه سرمایه‌گذاریها بوده است. مهمترین سیاست مالزی در انباشت پس اندازها و تبدیل آنها به سرمایه‌گذاری ثبات اقتصاد کلان بوده است. در این نظام نرخ تورم پایین است و لذا منابع پس انداز شده کمتر در داراییهای غیرمولد سرمایه‌گذاری می‌شود. گذشته از آن مالزی با حفظ نرخ بهره در سطحی بالاتر از نرخ تورم نظامی مطمئن برای جذب پس اندازها در بانکها ایجاد نمود. جدول زیر نرخ بهره واقعی (نرخ بهره پرداختی منهای نرخ تورم) را در مالزی در مقایسه با چند کشور نشان می‌دهد:

کشور	دوره مورد بررسی	نرخ واقعی بهره (میانگین سالانه)
هنگ کنگ	۱۹۷۳-۹۱	-۱/۸۱
اندونزی	۱۹۷۰-۹۰	۰/۲۶
کره جنوبی	۱۹۷۱-۹۰	۱/۸۸
مالزی	۱۹۷۶-۹۱	۲/۷۷
تایوان	۱۹۷۴-۹۱	۳/۸۶
فیلیپین	۱۹۷۶-۹۱	۰/۲۵
مصر	۱۹۷۶-۹۰	-۶/۳۲
ترکیه	۱۹۷۶-۹۱	-۱۵/۶۰
کشورهای صحرای افریقا	۱۹۷۵-۹۱	-۱۱/۱۳
میانگین کشورهای اروپایی	۱۹۷۰-۹۱	۰/۱۶

SOURCE: INTERNATIONAL MONETARY FUND DATA.

*** تاکید بر صنایع کوچک و متوسط و توسعه و گسترش این صنایع نیز از عوامل مهم دیگر در توزیع رشد در مالزی به شمار می رود. مخصوصاً این که این واحدها معمولاً در هدایت بازار و فارغ از دخالت‌های دولت ایجاد می شدند.**

است. نرخ بهره‌وری نیروی کار قابل توجه بود است و منجر به درآمد سرانه بالای این کشور شده است. زیرا درآمد سرانه در هر کشور به‌میزا قابل توجهی وابسته به بهره‌وری نیروی کار در آن کشور است. بخشی از افزایش بهره‌وری نیرو کار به افزایش سرمایه فیزیکی وابسته است بخش دیگری از آن به سرمایه‌گذاری روی نیرو انسانی مرتبط است. گذشته از اینها بهبود بهره‌وری از طریق اصلاح و بهبود روشهای تولید و تغییر سازماندهی‌ها و... می‌تواند بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد. مطالعات موجود خصوصاً کشور مالزی نشان می‌دهد که دو سو نرخ رشد این کشور در سالهای ۱۹۸۰ به بعد انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی مرتبط است یک سوم مابقی را افزایش کارایی یا بهره‌وری (TOTAL FACTOR PRODUCTIVITY) تولید ایجاد کرده است. این نسبت در مقایسه کشورهای دیگر قابل ملاحظه است.

نمودار زیر وضعیت کشور مالزی را از نظر رشد بهره‌وری و نرخ رشد اقتصادی و در مقایسه با سایر کشورها را به خوبی نشان می‌دهد. در این نمودار روی محور عمودی نرخ رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید برای دوره ۱۹۸۹-۹۶ نشان داده شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود این نرخ می‌تواند منفی نیز باشد. در محور افقی نرخ رشد عوامل تولید نشان داده شده است. این نرخها: رشد میانگین رشد سالانه برای کل دوره است خطوط نقطه چین که با شیب منفی ترسیم شده نشان‌دهنده نرخ رشد اقتصادی و خطوط پر شیب مثبت نیز هریک نشان‌دهنده سهم بهره‌وری در نرخ رشد اقتصادی است. این نمودار این ترتیب چهار متغیر اقتصادی را با هم نشان می‌دهد.

همان‌طور که در نمودار نشان داده شده است. میانگین نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید حدود ۱/۵ تا ۲ درصد است و نرخ رشد اقتصادی این کشور طی دوره ۱۹۸۹-۱۹۶۰ بیش از ۶ درصد می‌باشد. نرخ رشد عوامل تولید نیز در این دوره برای مالزی بین ۴ تا ۵ درصد بوده است. بنابراین هرچه جایگاه یک کشور به سمت چپ حرکت کند سهم انباشت سرمایه فیزیکی در رشد تولید بیشتر است (PRODUCTION - ORIENTED) و هرچه به سمت بالا حرکت کند سهم بهره‌وری عوامل تولید در رشد اقتصادی بیشتر است. (GROWTH) و هرچه به سمت بالا حرکت کند سهم بهره‌وری عوامل تولید در رشد اقتصادی بیشتر است. (PRODUCTIVITY)

است. (۷) نرخهای بالای پس‌انداز در محیط با ثبات اقتصادی تبدیل به سرمایه‌گذاری می‌شود. این روند رشد سرمایه‌گذاری بالایی را در مالزی ایجاد کرد به طوری که در دهه ۱۹۸۰ و نیمه اول دهه ۱۹۹۰ یکی از موفق‌ترین کشورهای در حال توسعه در زمینه نرخ رشد سرمایه‌گذاری به حساب آمده است. (۸)

بالا بردن بهره‌وری اقتصادی

همانگونه که در ابتدای بحث به آن اشاره شد. بستر سازی و سیاستهای اقتصادی مالزی منجر به انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، تخصیص مناسب آن و بالارفتن بهره‌وری در اقتصاد ملی شد و از این طریق هم نرخ رشد اقتصادی؛ درصد بسیار بالایی تحقق یافت و هم از توزیع نابرابر درآمد و ثروت که نتیجه رشد اقتصادی بود جلوگیری شد. بهره‌وری بالای اقتصادی در این کشور اساساً ناشی از ثبات اقتصاد کلان، اصلاح قیمت‌های انحراف یافته (DISTORTED PRICES)، نرخ بهره مثبت و اتکاء به بازار آزاد و رقابت برای سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع و انعطاف‌پذیری در بازار کار بوده است.

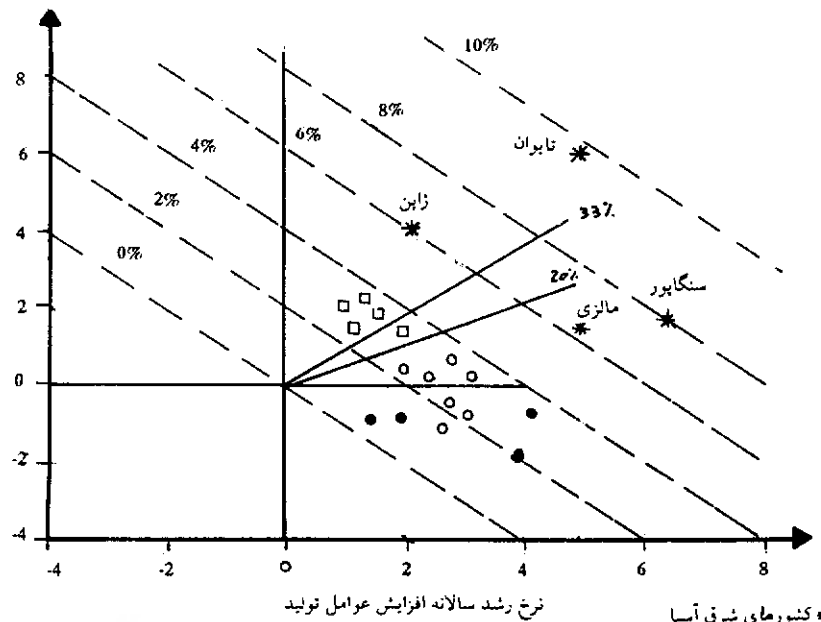
گذشته از این عوامل کشور مالزی با بازکردن اقتصاد ملی، موسسات تولیدی داخلی را در رقابت با محصولات و شرکتهای خارجی قرار داد. در این محیط، موسسات مالزی بقاء خود را در بهبود سیستمها و ارتقاء تکنولوژی می‌دانستند. ماحصلی کار ارتقاء بهره‌وری در کل اقتصاد بوده است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که کشور مالزی دارای رشد بهره‌وری بالایی بود

یکی از دلایل گسترش بازارهای مالی و بورس این کشور را باید در این واقعیت جستجو کرد. مثبت بودن نرخ بهره موجب می‌گردد که پس‌اندازکنندگان بانکها را محل مطمئنی برای سرمایه‌گذاری بدانند. برخلاف مالزی، کشورهای آمریکای لاتین و همچنین ایران در مدت زمان طولانی دارای نرخ بهره منفی بوده‌اند. پس‌اندازکنندگان در این کشورها با سپردن پس‌اندازهای خود در بانکها نه تنها بهره‌ای دریافت نمی‌کنند، بلکه به دلیل کاهش ارزش پولشان متضرر نیز می‌شوند. از این رو پس‌اندازها عمدتاً در داراییهای غیرمولد از قبیل زمین و ساختمان سرمایه‌گذاری می‌شود. مهم بودن مالکیت زمین و ساختمان و بازدهی بالا روی این قبیل کالاها در این کشورها عمدتاً ناشی از منفی بودن نرخ بهره بوده است.

در سالهای ۱۹۶۱-۸۰ پس‌انداز بخش عمومی در مالزی تنها ۳/۲ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است در حالیکه در همین دوره بخش خصوصی ۱۸/۷ درصد پس‌انداز ملی را ایجاد کرده است. در دوره ۱۹۸۱-۹۰ که توسعه کشور اساساً تحت مدیریت دکتر ماهاتیر محمد هدایت می‌شده و نقش مهمی برای دولت قابل بوده است، نرخ پس‌انداز بخش عمومی به ۱۰/۳ درصد افزایش می‌یابد. در همین دوره بخش خصوصی ۱۹/۱ تولید ناخالص داخلی را پس‌انداز کرده است. برای مقایسه نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تولید خالص داخلی در همین دوره در برزیل ۱۲/۵ درصد، در شیلی ۰/۶ درصد و در ونزوئلا ۵/۶ درصد بوده

شکل ۱

نرخ رشد متوسط سالانه
بهره‌وری عوامل تولید



* کشورهای شرق آسیا
□ کشورهای توسعه‌یافته
● چند کشور در حال توسعه

نمودار بهره‌وری کلی عوامل تولید و نرخ رشد سالانه افزایش عوامل تولید - دوره

۸۹-۱۹۶۰

کشور همراه بوده است. این اتفاق در مالزی و کشورهای جنوب شرق آسیای سابقه بوده است. کاهش ۳۰ درصد ارزش پول مالزی در مدت چهار ماه بیانگر از دست رفتن ۳۰ درصد ثروت ملی است. عده‌ای چنین اتفاقی را توطئه کشورهای غربی می‌دانند و عده‌ای آنرا به بازبودن بیش از حد اقتصاد مالزی نسبت می‌دهند. جهت اطلاع حجم کل صادرات و واردات مالزی به تولید ناخالص داخلی کشور از ۰/۸۹ در سال ۱۹۷۰ به ۱/۰۰ در سال ۱۹۸۰ و ۱/۰۹ در سال ۱۹۸۸ رسیده است. این نسبت در دهه ۱۹۹۰ از این نسبت هم فراتر رفته است. اینکه علل پشت پرده بحران مالی این کشور و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا چیست، جای تامل و بررسی دارد. ولی آنچه را که محکم می‌توان گفت اینست که علل ایجاد بحران نمی‌تواند توطئه یک نفر یا یک کشور باشد. آنها می‌توانند بحران را تشدید کنند تا از آن بهره بیشتری ببرند ولی قادر نخواهند بود آنرا به این شدت ایجاد نمایند. می‌توان گفت که از عمده‌ترین علل بحران و تعمیق آن در مالزی بازبودن بیش از حد اقتصاد مالزی و ورود و خروج سرمایه‌های مالی خارجی، عدم کنترل مرکزی بر بازارهای مالی، سرعت بیش از حد بازارهای مالی در مقایسه با سطح تکنولوژی و نهادهای اقتصادی جامعه، کاهش ارزش ین در مقابل دلار و... را می‌توان نام برد. اینکه هر یک از عوامل فوق چه سهمی در بروز این بحران دارند مطالبی است که باید به آن پرداخته شود و برای کشور ما که نگاه مثبتی به مالزی دارد ریشه‌یابی این بحران بسیار مهم است. لذا شایسته است که با روشها و نگرشهای علمی تحلیل دقیق از علل بحران مالزی داشته باشیم تا اولاً در اتخاذ استراتژیها و سیاستها توسعه آگاه‌تر عمل نماییم و ثانیاً راه را برای کسانی که بحران مالزی را وسیله‌ای برای طرح مجدد افکار غیرقابل قبول خود یافته‌اند ببندیم. طبیعی است همان‌طور که از موفقیت مالزی می‌توان درس آموخت از شکستها و بحرانهای آن نیز می‌توان تجارب ارزشمندی بدست آورد.

پانویس:

1 - EASTERLY, WILLIAM, 1993 "FISCAL POLICY AND ECONOMIC GROWTH: AN IMPIRICAL IN VESTIGATION". PAPER PRESENTED AT THE CONFERENCE ON HOW DO NATIONAL POLICIES AFFECT GROWTH. WORLD BANK.

* گذشته از ثبات اقتصاد کلان، سیاستهای معطوف به صادرات در بستر ایجاد بازارهای رقابتی و انگیزشهای دولتی موجب رشد سریع اقتصادی کشور مالزی شد.

* گسترش عمومی آموزش ابتدایی و توسعه آموزش متوسطه و ایجاد موسسات آموزش عالی راه را برای صعود طبقات کم درآمد به لایه‌های بالایی جامعه فراهم کرد.

اقتصاد مالزی بوده‌اند و در صورتیکه این عوامل کار خود را به درستی انجام نمی‌دادند این کشور نمی‌توانست به نرخ رشد بالا و مثبتی بر بهره‌وری اقتصادی دست یابد.

در نیمه دوم سال ۱۹۹۷ اقتصاد موفق مالزی که حتی بین کشورهای موفق آسیای جنوب شرقی نیز از ارقام بهتری برخوردار بود گرفتار بحران مالی شد. این بحران با کاهش ارزش پول مالزی (رینگیت)، کاهش شاخص بورس سهام مالزی و خروج سرمایه‌های مالی خارجی از این

ORIENTED GROWTH) طبیعی است که بهترین وضعیت حرکت از محور مختصات روی نیمساز و به سمت بالا و راست است. در این وضعیت نرخ رشد اقتصادی حاصل انباشت سرمایه و بهره‌وری است و در عین حال نرخ رشد اقتصادی نیز بالا است. همانطور که ملاحظه می‌کنید تایوان دارای بهترین موقعیت است و پس از این کشور سنگاپور و مالزی قرار دارند. وضعیت کشور مالزی از کشورهای توسعه‌یافته نیز بهتر است. البته از آنجا که مالزی کشوری در حال توسعه و دارای رشد سریع به حساب می‌آید راندمان و نرخ رشد بالای آن دارای منطق اقتصادی است. ولی مقایسه این کشور با کشورهای در حال توسعه دیگر نشان‌دهنده موقعیت ممتاز این کشور است.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه نرخ رشد اقتصادی خود را عمدتاً از سرمایه‌گذاری بدست می‌آورند و در گروه وسیعی از آنها حتی بهره‌وری عوامل تولید منفی است. وضعیت مناسب مالزی نشان می‌دهد که محیط مناسب اقتصادی، ارتباط با نظام جهانی، سیاستهای مناسب دولت و عواملی دیگر که در این نوشته به آنها اشاره رفت از عواملی موثر بر کارکرد موفق